

سدسازی‌های ترکیه و چالش‌های حقوق بین‌الملل محیط زیست: بررسی پروژه گاپ

محمدیاسین
قنبرزاده (نویسنده مسئول)
گروه حقوق، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

دکتر حجت
خدایی فام
گروه حقوق، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

چکیده

بحران آب یکی از اساسی‌ترین چالش‌های قرن بیست و یکم به‌ویژه در منطقه خاورمیانه است. رودخانه‌های دجله و فرات که از دیرباز مهد تمدن‌های بشری بوده‌اند، امروز به موضوع مناقشات سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی میان کشورهای ترکیه، عراق و سوریه تبدیل شده‌اند. پروژه گاپ ترکیه به‌عنوان بزرگ‌ترین طرح سدسازی در این کشور، هرچند با اهداف توسعه‌ای و اقتصادی طراحی شده، اما پیامدهای جدی و گسترده‌ای برای محیط زیست و امنیت آبی کشورهای پایین دست داشته است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، به بررسی ابعاد حقوقی پروژه گاپ در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که سیاست‌های یک‌جانبه ترکیه ناقض اصول بنیادین حقوق بین‌الملل محیط زیست از جمله اصل استفاده منصفانه و معقول، اصل منع ضرر و اصل همکاری دولتهاست. ادامه این روند بدون نظارت و همکاری بین‌المللی می‌تواند علاوه بر بحران زیست‌محیطی، پیامدهای اجتماعی و امنیتی جبران‌ناپذیری برای منطقه در پی داشته باشد.

واژگان کلیدی: پروژه گاپ، دجله و فرات، سدسازی، حقوق بین‌الملل محیط زیست، اصل منع ضرر

طبقه‌بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین‌الملل - حقوق خصوصی

Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: 2717- 1469
Online ISSN: 2717 - 1477

Profile in ISC,SID, Noormags,
Magiran, Ensani,
GoogleScholar
www.jaml.ir

Year 2026, Year 7, Issue 26,

Pages 1-8

Türkiye's Dam Construction and the Challenges of International Environmental Law: A Study of the Gap Project

Mohammad Yasin Department of law, ur.c., Islamic azad university, urmia, iran
Ghanbarzadeh
(Responsible author)

Dr. Hojjat Khodaifam Department of law, ur.c., Islamic azad university, urmia, iran

Abstract

The water crisis is one of the most fundamental challenges of the 21st century, especially in the Middle East. The Tigris and Euphrates rivers, which have long been the cradle of human civilizations, have today become the subject of political, economic, and environmental disputes between the countries of Turkey, Iraq, and Syria. The Turkish GAP project, as the largest dam construction project in this country, although designed with developmental and economic goals, has had serious and widespread consequences for the environment and water security of downstream countries. This study, using a descriptive-analytical method and based on library and documentary sources, examines the legal dimensions of the GAP project in the light of international environmental law. The results show that Turkey's unilateral policies violate the fundamental principles of international environmental law, including the principle of fair and reasonable use, the principle of no harm, and the principle of cooperation between states. Continuing this process without international supervision and cooperation could have irreparable social and security consequences for the region, in addition to the environmental crisis.

Keywords: Gap Project, Tigris and Euphrates, Dam Building, International Environmental Law, No Harm Principle

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law

مقدمه

مروری بر ادبیات تحقیق و مبانی نظری

مبانی نظری این پژوهش بر اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست و چارچوب‌های هیدروپلیتیک استوار است. یکی از اصول اساسی، اصل استفاده منصفانه و معقول منابع آب مشترک است که بر ضرورت رعایت حقوق همه کشورهای ذینفع تاکید دارد و هیچ کشوری نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن نیازها و حقوق دیگران، منابع مشترک را به طور انحصاری بهره‌برداری کند [۷]. این اصل به عنوان چارچوبی قانونی برای مدیریت عادلانه رودخانه‌های بین‌المللی، مانند دجله و فرات، شناخته می‌شود و در اسناد بین‌المللی و رویه قضایی مورد تاکید قرار گرفته است [۱][۲].

اصل دوم، اصل منع ضرر است که بیان می‌کند دولت‌ها مسئول جلوگیری از هرگونه فعالیت‌هایی هستند که موجب خسارت قابل توجه به سرزمین یا منابع دیگر کشورها شود [۹]. این اصل در مورد پروژه گاپ اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا کاهش جریان آب و تخریب تالاب‌ها و اکوسیستم‌های پایین‌دست، نمونه‌ای از آسیب‌های مستقیم به کشورهای عراق و سوریه است. رعایت این اصل علاوه بر تضمین عدالت محیط زیستی، به کاهش تنش‌های سیاسی و اجتماعی نیز کمک می‌کند.

اصل سوم، اصل همکاری است که کشورهای حوضه‌های آبریز مشترک را ملزم می‌کند تا از طریق تبادل اطلاعات، مشاوره، مذاکره و ایجاد سازوکارهای مشترک، از بروز اختلافات و بحران‌های زیست‌محیطی جلوگیری کنند [۳][۱۰]. این اصل نشان‌دهنده اهمیت تعامل منطقه‌ای و نهادسازی برای مدیریت

آب یکی از حیاتی‌ترین منابع طبیعی برای بقا و توسعه جوامع انسانی است. در خاورمیانه که بخش عمده‌ای از سرزمین آن در اقلیم خشک و نیمه‌خشک قرار دارد، منابع آبی از اهمیت راهبردی برخوردارند. رودخانه‌های دجله و فرات از ارتفاعات شرق ترکیه سرچشمه می‌گیرند و پس از عبور از سوریه و عراق به خلیج فارس می‌ریزند. این رودخانه‌ها نه تنها پایه‌های اقتصادی منطقه بلکه بستر زندگی و تمدن‌های باستانی میان‌رودان را تشکیل داده‌اند. تمدن‌های سومر، اکدی، بابلی و آشوری در حاشیه این رودخانه‌ها شکل گرفتند و هنوز میلیون‌ها نفر از جمعیت منطقه به این منابع آب وابسته هستند.

با این حال، تغییرات اقلیمی، رشد جمعیت، توسعه صنعتی و به‌ویژه سیاست‌های یک‌جانبه در بهره‌برداری از منابع آبی، این حوزه را با بحران‌های شدید مواجه کرده است. پروژه گاپ ترکیه، شامل احداث ۲۲ سد و ۱۹ نیروگاه برق‌آبی، مهم‌ترین طرح آبی در این منطقه به شمار می‌رود. این طرح با اهداف توسعه‌ای و اقتصادی برای ترکیه طراحی شده، اما آثار منفی آن بر محیط زیست و امنیت آبی کشورهای پایین‌دست بسیار گسترده است. از منظر حقوق بین‌الملل، بهره‌برداری از رودخانه‌های بین‌المللی باید بر اساس اصولی همچون استفاده منصفانه و معقول، عدم وارد آوردن ضرر قابل توجه به سایر دولت‌ها و همکاری در مدیریت مشترک منابع طبیعی انجام گیرد. این مقاله با هدف بررسی حقوقی و زیست‌محیطی پروژه گاپ، تلاش می‌کند ضمن تحلیل مبانی نظری، پیامدهای این طرح را در چارچوب حقوق بین‌الملل محیط زیست تبیین کند.

پایین دست را نقض می‌کند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که عدم پابندی ترکیه به اصل همکاری و اصل منع ضرر، موجب تشدید بحران‌های زیست‌محیطی و سیاسی در منطقه شده است [۱].

لطفعلی (۱۳۹۶) در پژوهشی پیرامون هیدروپلیتیک و امنیت آب در خاورمیانه، به بررسی نقش منابع آبی مشترک در شکل‌گیری تنش‌های امنیتی پرداخته است. او استدلال می‌کند که کنترل منابع آبی توسط کشورهای بالادست، به‌ویژه ترکیه، به نوعی ابزار هژمونی در منطقه تبدیل شده است. وی نشان می‌دهد که در صورت نبود توافقات الزام‌آور، سیاست‌های یک‌جانبه می‌تواند امنیت غذایی، اجتماعی و حتی سیاسی کشورهای پایین دست را تهدید کند و به بی‌ثباتی منطقه‌ای دامن بزند [۲].

میزرایبی پور (۱۳۸۹) در پژوهشی پنج‌فصلی، ابعاد هیدروپلیتیک دجله و فرات را بررسی کرده است. وی تأکید می‌کند که ناکامی عراق، سوریه و ترکیه در ایجاد سازوکارهای همکاری، عامل اصلی تشدید بحران‌های آبی بوده است. او با تحلیل روند تاریخی روابط این کشورها، نشان می‌دهد که پروژه گاپ نه تنها یک طرح توسعه‌ای، بلکه عاملی برای افزایش تنش‌های سیاسی و امنیتی در منطقه است. یافته‌های او تأکید دارد که بدون ایجاد چارچوب‌های حقوقی الزام‌آور، مدیریت منابع آب میان‌دولتی امکان‌پذیر نخواهد بود [۳].

در سطح بین‌المللی، کلارز و میشل (۱۹۹۱) منابع آبی خاورمیانه را به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل منازعه و همکاری در منطقه بررسی کرده‌اند. آن‌ها نشان داده‌اند که دجله و فرات به دلیل وابستگی شدید کشورهای منطقه به منابع آب، ظرفیت تبدیل شدن به یک عامل منازعه‌زا را دارند،

پایدار منابع آبی است و مبنای بسیاری از توافقات بین‌المللی در زمینه رودخانه‌های مشترک محسوب می‌شود.

از منظر هیدروپلیتیک، پروژه گاپ نمونه‌ای از کنترل منابع آبی توسط کشورهای بالادست و استفاده از آن به عنوان ابزار قدرت منطقه‌ای است [۵][۶]. نظریه هیدروهژمونی نشان می‌دهد که کشور بالادست می‌تواند با کنترل جریان آب، نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را افزایش دهد و کشورهای پایین دست را در موقعیت آسیب‌پذیری قرار دهد. این دیدگاه تأکید می‌کند که مدیریت منابع آب صرفاً موضوع محیط زیست نیست بلکه به امنیت، اقتصاد و سیاست منطقه‌ای نیز مرتبط است.

در نهایت، مبانی نظری این پژوهش بر تعامل میان حقوق بین‌الملل محیط زیست و رویکردهای هیدروپلیتیک استوار است. به این ترتیب، پروژه گاپ نه تنها یک طرح توسعه داخلی است بلکه ابعادی حقوقی، سیاسی و زیست‌محیطی دارد که می‌تواند امنیت منابع آب و ثبات اجتماعی در کشورهای پایین دست را تحت تاثیر قرار دهد. توجه به این مبانی، پایه‌ای محکم برای تحلیل حقوقی و زیست‌محیطی پروژه گاپ فراهم می‌کند و ضرورت همکاری منطقه‌ای و اعمال تعهدات بین‌المللی را روشن می‌سازد [۴][۸][۱۱].

پژوهش‌های متعددی در ایران و خارج از کشور درباره پروژه گاپ و آثار زیست‌محیطی و حقوقی آن صورت گرفته است. عصار (۱۳۹۷) در پژوهشی جامع، به بررسی تعهدات بین‌المللی ترکیه در قبال رودخانه‌های دجله و فرات پرداخته است. او با تحلیل اسناد بین‌المللی مانند بیانیه استکهلم و ریو، استدلال می‌کند که سدسازی‌های ترکیه نه تنها اصول عرفی حقوق بین‌الملل محیط زیست بلکه حقوق کشورهای

پروژه هستند. سد آتاترک به تنهایی ظرفیت ذخیره ۴۸ میلیارد متر مکعب آب دارد و نقش کلیدی در تأمین برق و آبیاری اراضی ایفا می‌کند. با وجود مزایای اقتصادی برای ترکیه، این پروژه پیامدهای زیست‌محیطی و اجتماعی گسترده‌ای برای کشورهای پایین‌دست داشته است. کاهش شدید جریان دجله و فرات منجر به خشک شدن تالاب‌های عراق و ایران، افزایش پدیده ریزگردها، کاهش کیفیت آب و نابودی اکوسیستم‌های آبی شده است. همچنین معیشت میلیون‌ها کشاورز به خطر افتاده و مهاجرت اجباری از مناطق روستایی به شهرها افزایش یافته است. این روند، علاوه بر بحران زیست‌محیطی، زمینه‌ساز ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی نیز شده است [۸].

تحلیل حقوقی پروژه گاپ در پرتو حقوق بین‌الملل محیط زیست

اقدامات ترکیه در پروژه گاپ از منظر حقوق بین‌الملل محیط زیست ناقض اصول بنیادین است. کاهش شدید جریان آب و تخریب زیست‌بوم‌های عراق و سوریه مصداق بارز اصل منع ضرر است، که بر جلوگیری از فعالیت‌هایی تأکید دارد که موجب خسارت قابل توجه به سرزمین دیگران شود [۹]. علاوه بر این، اصل استفاده منصفانه و معقول رعایت نشده است، زیرا ترکیه بدون توجه به نیازهای عادلانه کشورهای پایین‌دست و بدون مشورت، پروژه را اجرا کرده است [۱۰][۱۱]. اصل همکاری نیز نادیده گرفته شده است، زیرا سدسازی‌ها بدون توافق و تبادل اطلاعات با عراق و سوریه انجام شده‌اند [۱۰][۱۱]. رویه دیوان بین‌المللی دادگستری نشان می‌دهد که چنین اقدامات یک‌جانبه مسئولیت بین‌المللی دولت متخلف را در پی دارد [۱۰]. این تحلیل نشان می‌دهد که پروژه گاپ نه تنها یک طرح توسعه داخلی است بلکه ابعاد حقوقی و بین‌المللی مهمی

مگر آنکه سازوکارهای همکاری مؤثر شکل گیرد [۴]. وارنر (۲۰۰۸) نیز در پژوهش خود مفهوم «هیدروهم‌مونی» را مطرح کرده و توضیح می‌دهد که ترکیه با استفاده از قدرت ژئوپلیتیکی و پروژه گاپ، کنترل آبی منطقه را در دست گرفته و همین امر موجب نابرابری در بهره‌برداری از منابع مشترک شده است [۵]. همچنین کی‌باروقلو (۲۰۰۲) با بررسی حقوق بین‌الملل آب و سیاست‌های ترکیه، به این نتیجه رسیده است که اقدامات ترکیه در پروژه گاپ با اصول حقوقی بین‌المللی سازگار نیست و باید در چارچوب همکاری‌های منطقه‌ای اصلاح شود [۶].

مبانی نظری پژوهش حاضر بر اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست استوار است. اصل استفاده منصفانه و معقول ایجاب می‌کند که هیچ کشوری حق ندارد به‌طور یک‌جانبه منابع مشترک را در انحصار خود گیرد، بلکه باید با در نظر گرفتن نیازها و حقوق سایر دولت‌ها عمل کند. اصل منع ضرر، که در رویه قضایی بین‌المللی نیز مورد تأکید قرار گرفته، بیان می‌کند که دولت‌ها مسئول جلوگیری از فعالیت‌هایی هستند که به سرزمین‌های دیگران خسارت وارد می‌کند. اصل همکاری نیز از کشورها می‌خواهد که در مدیریت منابع مشترک از طریق تبادل اطلاعات، مشاوره و مذاکره، از بروز اختلافات جلوگیری کنند [۷].

پروژه گاپ: ابعاد و پیامدها

پروژه گاپ ترکیه در دهه ۱۹۸۰ آغاز شد و شامل ۲۲ سد و ۱۹ نیروگاه برق‌آبی است. این طرح عظیم با هدف توسعه اقتصادی جنوب‌شرقی ترکیه، کاهش فقر، افزایش تولید انرژی و بهبود شرایط کشاورزی طراحی شده است. سدهای بزرگی مانند کبان، کاراکایا، آتاترک و ایلیسو از مهم‌ترین اجزای این

منطقه برای مدیریت پایدار منابع آبی مشارکت کنند [۱۱]. گسترش همکاری‌های علمی و تحقیقاتی میان دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی منطقه، می‌تواند به کاهش پیامدهای زیست‌محیطی کمک کند. مطالعه جامع اکوسیستم‌های آبی، تحلیل جریان آب و شبیه‌سازی اثرات سدسازی، اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری‌های بهینه و کاهش خسارات را فراهم می‌آورد [۴][۵].

توسعه دیپلماسی آب نیز به عنوان راهکاری عملی و موثر برای مدیریت منابع مشترک اهمیت دارد. با تقویت مذاکرات منطقه‌ای، استفاده از ظرفیت نهادهای چندجانبه و به‌کارگیری میانجی‌گری بین‌المللی، کشورهای حوضه می‌توانند اختلافات را از طریق گفتگو حل و فصل کنند و از تنش‌های سیاسی و اجتماعی جلوگیری نمایند. این راهکارها در کنار تدوین سیاست‌های ملی پایدار برای مدیریت آب و ارتقای آگاهی عمومی می‌توانند بهره‌برداری عادلانه و پایدار از منابع مشترک را تضمین کنند و امنیت زیست‌محیطی و اجتماعی منطقه را بهبود بخشند [۷][۸][۹][۱۰].

نتیجه‌گیری

پروژه گپ ترکیه هرچند با اهداف توسعه‌ای داخلی و اقتصادی طراحی شده، اما آثار آن فراتر از مرزهای ملی و منطقه‌ای است و کشورهای پایین‌دست به ویژه عراق و سوریه را با بحران‌های زیست‌محیطی و اجتماعی جدی مواجه ساخته است. کاهش شدید جریان آب رودخانه‌های دجله و فرات موجب خشک شدن تالاب‌ها، کاهش کیفیت آب، نابودی اکوسیستم‌های آبی و افزایش پدیده ریزگردها شده است. این تغییرات نه تنها معیشت میلیون‌ها نفر از کشاورزان و ساکنان محلی را تهدید می‌کند، بلکه باعث افزایش مهاجرت اجباری از مناطق

دارد و می‌تواند زمینه تنش و اختلاف میان کشورهای حوضه دجله و فرات را تشدید کند [۵][۶]. عدم رعایت این اصول می‌تواند پیامدهای زیست‌محیطی، اجتماعی و امنیتی جدی برای کشورهای پایین‌دست ایجاد کند و ضرورت همکاری منطقه‌ای و توافقات الزام‌آور بین‌المللی را بیش از پیش روشن سازد [۱۱].

راهکارها و پیشنهادات

حل بحران ناشی از پروژه گپ نیازمند اتخاذ رویکردی جامع، منطقه‌ای و بین‌المللی است. نخست، ایجاد یک نهاد مشترک میان ترکیه، عراق و سوریه برای مدیریت منابع دجله و فرات می‌تواند به عنوان چارچوبی قانونی و اجرایی عمل کند و زمینه همکاری بلندمدت میان کشورهای حوضه رودخانه‌ها را فراهم سازد. چنین نهادی می‌تواند مسئول تبادل اطلاعات، هماهنگی جریان آب و پایش وضعیت زیست‌محیطی رودخانه‌ها باشد و از تصمیم‌گیری‌های یک‌جانبه جلوگیری کند [۱][۳]. تدوین یک توافق‌نامه الزام‌آور بر اساس اصول حقوق بین‌الملل آب، از جمله اصل استفاده منصفانه و معقول، اصل منع ضرر و اصل همکاری، ضروری است. این توافق باید چارچوب قانونی روشن برای بهره‌برداری از منابع آبی مشترک تعیین کند و تضمین کند که هیچ کشوری بدون در نظر گرفتن حقوق دیگران، اقدام به سدسازی یا تغییر جریان آب نکند [۲][۶].

سازمان ملل متحد و نهادهای زیست‌محیطی بین‌المللی می‌توانند نقش نظارتی فعال‌تری ایفا کنند. با ایجاد کمیته‌های فنی و پایش‌های مستمر، امکان رصد عملکرد پروژه‌ها و شناسایی تخلفات احتمالی فراهم می‌شود. این نهادها می‌توانند همچنین در توسعه ظرفیت علمی و فنی کشورهای

کشورهای پایین دست تضمین نمود. بنابراین، پروژه گاپ نمونه‌ای روشن از اهمیت رعایت تعهدات بین‌المللی و ضرورت همکاری‌های منطقه‌ای در مدیریت منابع طبیعی مشترک است.

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله عزیزاده به خاطر بازبینی متن مقاله و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

منابع

۱. عساری، م. (۱۳۹۷). (پروژه گاپ و مسئولیت بین‌المللی ترکیه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.
۲. لطفعلی، م. (۱۳۹۶). (هیدروپلیتیک و امنیت آب در خاورمیانه. تهران: نشر دانشگاهی.
۳. میزایی‌پور، ط. (۱۳۸۹). (هیدروپلیتیک حوضه دجله و فرات. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.

4. Klare, M., & Michel, D. (1991). *Water and Conflict in the Middle East*. Washington, DC: Carnegie Endowment.
5. Warner, J. (2008). *Contested Hydrohegemony: Hydraulic Control and Security in Turkey*. *Water Alternatives*, 1(2), 271-288.

روستایی به شهرها و تشدید ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی شده است [۱][۲][۳]. از منظر حقوق بین‌الملل محیط زیست، اقدامات ترکیه ناقض اصول بنیادین استفاده منصفانه و معقول، اصل منع ضرر و اصل همکاری است [۹][۱۰][۱۱]. رعایت این اصول، که پایه و اساس مدیریت منابع آبی مشترک محسوب می‌شوند، برای حفظ امنیت زیست‌محیطی و اجتماعی کشورهای پایین دست ضروری است. عدم توجه به این اصول، علاوه بر اثرات زیست‌محیطی، می‌تواند منجر به تنش‌های سیاسی، بی‌ثباتی منطقه‌ای و افزایش اختلافات دیپلماتیک شود [۴][۵]. تحلیل‌های هیدروپلیتیک و تجربیات تاریخی نشان می‌دهند که ناکامی در ایجاد سازوکارهای همکاری میان ترکیه، عراق و سوریه عامل اصلی تشدید بحران‌های آبی بوده است. پروژه گاپ نه تنها یک طرح توسعه‌ای داخلی است، بلکه عاملی برای افزایش هم‌مونی آبی ترکیه در منطقه محسوب می‌شود و کشورهای پایین دست را در موقعیت آسیب‌پذیری قرار داده است [۶][۷]. برای کاهش پیامدهای منفی و دستیابی به بهره‌برداری پایدار از منابع مشترک، ایجاد توافقات الزام‌آور بین‌المللی، تقویت نهادهای منطقه‌ای و همکاری‌های علمی و فنی ضروری است. نهادهای بین‌المللی مانند سازمان ملل می‌توانند نقش نظارتی فعال داشته باشند و با حمایت از دیپلماسی آب، اختلافات میان کشورهای حوضه دجله و فرات را کاهش دهند [۸][۱۱].

در نهایت، مدیریت پایدار منابع آب مشترک نیازمند تعهد همزمان به اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست، توسعه دیپلماسی منطقه‌ای، و استفاده از ظرفیت علمی و فنی کشورهای منطقه است. تنها با ترکیب این راهکارها می‌توان از تشدید بحران‌های زیست‌محیطی و اجتماعی جلوگیری کرد و امنیت غذایی، اقتصادی و اجتماعی میلیون‌ها نفر را در

6. Kibaroglu, A. (2002). Building a Regime for the Waters of the Euphrates-Tigris River Basin. Kluwer Law International.
7. United Nations. (1972). Stockholm Declaration on the Human Environment. New York: UN.
8. United Nations. (1992). Rio Declaration on Environment and Development. New York: UN.

۹. محمدی خسروی، ع. و همکاران. (۱۳۹۹). بررسی پروژه گاپ و پیامدهای آن. مجله حقوق و سیاست، ۱۲، 85-110. (3)

۱۰. دیوان بین‌المللی دادگستری. (Various). گزارش‌ها و آراء مرتبط با حقوق بین‌المللی محیط زیست. لاهه، ICJ.

۱۱. ستاری، ح. (۱۳۹۶). مدیریت منابع آب و پیامدهای زیست‌محیطی سدسازی در خاورمیانه. مجله علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، ۸، 101-125. (2)